تصویر انشائات طولی وضعی در مثال افطار سهوی صائم

به چه صورت؟ خب اگر حکم وضعی است که دیگر تمام شد. روزه شکست‌ه! حکم وضعی در طول، متصور هست یا نیست؟ یک مثال می زنم. مثال سهو؛ اگر سهوا خورد؛ الآن که دلش کامل پر شده یادش می‌آید که روزه است. شما می‌گویید این روزه شکست‌ه شد یا نشد؟ به ارتکاز خودتان برگردید. می‌گویید نشد. با اینکه این همه خورده است. خب با اینکه این همه خورده اما باطل نشد.

وقتی روزه یک حکم وضعی است، نشان می‌دهد قابل دو وضعیت در طول هم هستند. می‌گویی‌م با اینکه زیاد خورد، اما روزه‌ای وضعی داری‌م که شکست‌ه نشده. یعنی خوردن آمد اما چون سهوی بود من شارع در طول آن حکم وضعی اولی که گفته بودم باید خوردن نیایید، حالا با قید سهو و نسیان می‌گویی‌م روزه او هم روزه است. اگر بگویید این حکومت و ورود است، من حرفی ندارم؛ دیدگاه دیگری می‌شود. اما با این دید - اگر فرض بگیریید - هیچ مشکلی نداری‌م. چرا؟ چون حکم وضعی که تشریع تکوینی نیست. باعث بر تشریع چه بود؟ وصول به یک اغراضی از طریق مدیریت. شارع با مدیریت جعل یک حکم وضعی برای صوم به شرط اکل نسیانی، حکمی قرار می‌دهد و می‌گوید تو حکم وضعی را داری. یعنی اگر بعداً عمداً بخوری باید کفاره بدهی. می‌گویید من دلم را پر کرده‌ام! خب کرده باشی. تا الآن واقعاً صائم هستی. نه به‌صورت حکومت و ورود. شارع می‌گوید نزد من واقعاً به حکم وضعی تو صائم هستی. اما نه وضعی قبلی. دو حکم وضعی طولی. اینها تمانع دارد؟ نه، در طول هم هستند. دومی قید دارد. آن مطلق بود ولی این با یک قیدی در طول اولی است. اگر اینها سر برسد بسیاری از ادله را می‌توانی‌م جمع کنی‌م.

شاگرد: چرا می فرمایی‌د در طول هم هستند؟ اینجا درهمان لحظه، حکم وضعی آن این است که اگر سهوا بخورد، صومش باطل نمی شود.

استاد: نه، در عالم ثبوت در طول هم هستند. یعنی بدون یک قید انشاء می‌شود، بعد با یک قیدی... .

شاگرد: اگر از اول مقیدا انشاء شود، چه؟

استاد: این همان دید اول است. دو دیدگاه است. می‌گفتی‌م همه قیود با هم در نظر گرفته می‌شوند و ... ؛ و لذا وقتی به ادله می‌رسی‌م می‌گویی‌م تعارض دارند. وقتی یک انشاء با قیود می‌بینی‌م، یک دلیلی که خلاف آن را بگوید، می‌گویی‌م معارض اند. اتفاقا اصل تلاش من برای همین است که ببینی‌م تقریری ممکن هست که وقتی ادله به این صورت شدند، معارض نباشند و هر کدام ثبوتا ناظر به مرتبه خودشان باشند. و الّا من حرفی ندارم. آن چه که شما می‌فرمایی‌د همانی است که تک انشائی درنظر می‌گیری‌م. یعنی می‌گویی‌م شارع مجموع تزاحم ملاکات را در نظر گرفته و خوجی آن یک انشاء است، با هزاران قید. مثلاً در صلات می‌گویی‌م وقتی شارع فرموده نماز ظهر

واجب است، در ابتدا گفته نماز ظهر بر مکلفی که حائض نباشد، طفل نباشد و ... واجب است. این یک جور است. اما جور دیگر بیانی است که من گفتم. لذا اینکه من طولی بودن را تکرار میکنم برای این است که میخواهم در عالم ثبوت، برای این انشائات طولی آثار بار کنم. یکی از بهترین آثار، جمع بین ادله است، بدون نیاز اینکه بگوییم معارض هستند.

بازبینی #1
ایجاد شده 2 مه 2026 15:33:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 مه 2026 15:34:30 توسط ... .